اخبار

«زن و بچه» در جشنواره حیفا اسرائیل به نمایش درآمده است؟

تهیه‌کننده فیلم «زن و بچه» درباره حضور این فیلم در فهرست آثار جشنواره حیفا اسرائیل توضیحاتی را ارائه کرد.

سید جمال ساداتیان در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: ما در قراردادی که با پخش‌کننده فرانسوی داشتیم تاکید کرده بودیم تحت هیچ شرایطی فیلم در فهرست عرضه و فروش در اسرائیل نباید قرار گیرد و آن‌ها هم این وعده را داده بودند که چنین اتفاقی نمی‌افتد. اما ظاهراً در زمان جشنواره کن نماینده جشنواره حیفا فیلم‌های مختلف پخش‌کننده را دیده و «زن و بچه» را هم انتخاب کرده که در موقع قرارداد نهایی، پخش‌کننده تاکید می‌کند که امکان نمایش این فیلم در اسرائیل وجود ندارد.

او اضافه کرد: با این حال نمی‌دانیم بر چه اساسی فیلم در فهرست آثار جشنواره حیفا قرار گرفته است، در حالی که پخش‌کننده اظهار بی‌اطلاعی و تاکید می‌کند که اصلاً هیچ نسخه‌ای از فیلم را به این جشنواره نداده است. در واقع این یک اشتباه از طرف جشنواره بوده که «زن و بچه» را با وجود نداشتن فیلم، در وب سایت خود درج کرده است.

ساداتیان همچنین اضافه کرد: اگر جنگ هم نمی‌شد ما علاقه‌ای به نمایش فیلم در این جشنواره نداشتیم چه برسد به اینکه اسرائیل این فضاحت را هم به بار آورده و جشنواره حیفا هم نه جشنواره معتبری است و نه آبرویی دارد.

تهیه‌کننده «زن و بچه» تاکید دارد، اگر فیلم در جشنواره بوده، پیگیری حقوقی انجام خواهد داد.

این در حالی است که جشنواره به پایان رسیده و مدتی قبل هم در خبری یک خطی در سایت جشنواره حیفا آمده که نمایش فیلم در این جشنواره حذف شده اما در بخش اطلاعات اثر، فیلم با زیرنویس‌های انگلیسی، عبری و عربی در بخش فروش بلیت عرضه شده است و همچنین نام منبع و در واقع خریدار، پخش کننده اسرائیلی LeV Cinemas ثبت شده است.

«زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی با بازی پریناز ایزدیار، پیمان معادی، سها نیاستی، فرشته صدرعرفایی و حسن پورشیرازی این روزها بر پرده سینماها در حال اکران است و تاکنون با یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر تماشاگر به فروش حدود ۹۹ میلیارد تومان رسیده است.

سدسازی بی‌ضابطه، میراث فرهنگی را فدای توسعه کرده است

تمدن ایران زیر آب رفت

سدسازی در ایران در حالی نماد توسعه معرفی می‌شود که بخش بزرگی از میراث تاریخی کشور زیر آب رفته است. نوروز رجبی، باستان‌شناس و کارشناس رسمی قوه قضائیه، با ارائه داده‌های دقیق هشدار می‌دهد بی‌توجهی به ارزیابی‌های فرهنگی در پروژه‌های عمرانی، به معنای نابودی تدریجی تاریخ و هویت ایران است.

در حالی که کشورهای توسعه‌یافته سال‌هاست پیوست‌های فرهنگی را به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر پروژه‌های عمرانی تعریف کرده‌اند، در ایران این موضوع اغلب یا نادیده گرفته شده یا به شکلی کاملاً صوری اجرا می‌شود

سدسازی در ایران همواره به‌عنوان یکی از نمادهای توسعه و پیشرفت فنی معرفی شده است؛ پروژه‌هایی عظیم که قرار بود امنیت آبی، کشاورزی و صنعتی کشور را تضمین کنند. اما در پسِ این روایت پرزرق‌وبرق، واقعیتی تلخ پنهان مانده است: نابودی تدریجی بخشی از مهم‌ترین میراث تاریخی و فرهنگی ایران. بسیاری از تپه‌ها، شهرهای باستانی، گورستان‌ها و محوطه‌های تاریخی در زیر آب سدهایی مدفون شده‌اند که بدون ارزیابی‌های فرهنگی و تاریخی کافی ساخته شده‌اند. از دهه ۱۳۳۰ تا امروز، روند سدسازی به‌قدری سریع و گسترده پیش رفته که اکنون نه‌تنها کارشناسان محیط‌زیست، بلکه باستان‌شناسان نیز آن را یکی از عوامل اصلی تخریب میراث تمدنی کشور می‌دانند.

به گزارش رویداد۲۴، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته سال‌هاست پیوست‌های فرهنگی را به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر پروژه‌های عمرانی تعریف کرده‌اند، در ایران این موضوع اغلب یا نادیده گرفته شده یا به شکلی کاملاً صوری اجرا می‌شود. نتیجه آنکه پروژه‌هایی که قرار بود «توسعه‌زا» باشند، در عمل به ویرانی بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی منجر شده‌اند. از سیوند و سیمره تا کارون ۳، فهرست قربانیان توسعه ناپایدار، بلند و پرحسرت است.

در چنین شرایطی، نوروز رجبی، باستان‌شناس و کارشناس رسمی قوه قضائیه، در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ با نگاهی تحلیلی و بر پایه داده‌های دقیق، تلاش کرده است ابعاد این بحران را روشن‌تر کند. او معتقد است ریشه مشکل نه در اصل توسعه، بلکه در بی‌توجهی به الزامات علمی، فرهنگی و قانونی آن نهفته است. رجبی در گفت‌وگویی تحلیلی با بررسی آماری سدسازی در ایران، از ضعف ساختارهای نظارتی، تعلل نهادهای مسئول و بی‌توجهی به قوانین سخن می‌گوید و در کنار نقدها، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی برای نجات میراث فرهنگی کشور ارائه می‌دهد.

سدسازی در ایران؛ توسعه‌ای همراه با تخریب میراث فرهنگی

رجبی با اشاره به این باور غلط که سدسازی را به عنوان یکی از اولویت‌های توسعه زیرساختی ایران می‌دانستند، گفت: از سال‌های آغازین دهه ۱۳۳۰ آغاز شد و تا امروز هزاران پروژه در سراسر کشور اجرا شده است. طبق آمار رسمی وزارت نیرو، بیش از ۱۲۰۰ سد بزرگ و کوچک در ایران ساخته شده یا در حال ساخت است که سهم قابل توجهی از آن مربوط به دو دهه گذشته است. این رشد سریع، اما بدون توجه به مطالعات جامع فرهنگی و تاریخی، موجب از بین رفتن صدها محوطه باستانی شده است.

این‌کارشناس با اشاره به آغاز بحران میراث فرهنگی در دوره پهلوی دوم، تأکید می‌کند: «سد دز و شبکه آبیاری پیرامونی آن، اولین پروژه‌هایی بودند که بدون ارزیابی فرهنگی دقیق اجرا شدند و آثار باستانی ارزشمندی در حوالی دزفول و شوش را نابود کردند.» نمونه‌های شاخصی، چون تپه چغابنوت و اراضی نیشکر هفت‌تپه، محوطه‌هایی با اهمیت ملی و جهانی، قربانی تسطیح اراضی و توسعه ناپایدار شده‌اند.

در دوره جمهوری اسلامی، این روند تشدید شد؛ تنها در حوضه آبریز کارون بیش از ۲۵ سد بزرگ برنامه‌ریزی یا ساخته شده است که برخی از آنها همچون سدهای سیوند، سیمره، و کارون ۳، آثار فرهنگی و تاریخی بی‌بدیلی را زیر آب برده‌اند.

رجبی می‌گوید: «هیچ ارزیابی جامع فرهنگی و تاریخی پیش از اجرا صورت نگرفته و اگر هم شده، بیشتر نمایشی بوده است.»

چالش‌ها و ناکارآمدی‌ها در حفاظت میراث فرهنگی

رجبی با تحلیل ضعف‌های ساختاری و اجرایی دستگاه‌های مسئول می‌گوید: «قوانین متعدد و آیین‌نامه‌هایی وجود دارد که دستگاه‌های اجرایی را موظف به انجام مطالعات فرهنگی پیش از آغاز پروژه می‌کند، اما در عمل این قوانین یا نادیده گرفته شده یا به صورت صوری اجرا می‌شوند.» به گفته وی، وزارت میراث فرهنگی به دلیل کمبود بودجه، نیروی متخصص و برنامه‌ریزی مدون، نتوانسته نقش مؤثری در حفاظت ایفا کند.

مطالعاتی که در پروژه‌هایی مثل سد سیوند انجام شد، نمونه‌هایی نادر از تلاش‌های نجاتبخشی بودند که متأسفانه به شکل پراکنده و محدود باقی ماندند. رجبی تأکید می‌کند که نبود برنامه‌های پژوهشی جامع و مداوم باعث شده بسیاری از آثار به طور کامل نابود شوند یا در مستندات تاریخی ثبت نگردند.

قانون برنامه ششم توسعه؛ فرصت و تعلل

بر اساس قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)، تهیه و الحاق پیوست تخصصی میراث فرهنگی برای تمامی پروژه‌های عمرانی بزرگ الزامی شده است. رجبی با انتقاد از تعلل وزارت میراث فرهنگی می‌گوید: «این پیوست تخصصی تا سال آخر برنامه تهیه نشد و حتی پس از ابلاغ نیز به طور کامل و جدی اجرا نمی‌شود.»

عدم اجرای کامل این قانون، به مثابه چراغ سبز برای ادامه تخریب‌هاست و نشان‌دهنده ضعف جدی در مدیریت سیاست‌های کلان میراث فرهنگی است.

راهکارهای پیشنهادی برای حفظ میراث فرهنگی

نوروز رجبی با تأکید بر ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و عملیاتی گفت که وزارت میراث فرهنگی، وزارت نیرو، سازمان برنامه و بودجه و سایر نهادهای مرتبط باید با هماهنگی مستمر و برنامه‌ریزی مشترک عمل کنند. او همچنین افزود: بدون سرمایه‌گذاری کافی در حوزه‌های پژوهش، حفاظت و آموزش، تلاش‌ها در این زمینه ناکافی و کم‌اثر خواهد بود.

به گفته رجبی، اجرای کامل و جدی قوانین موجود و نظارت بر آیین‌نامه‌ها، همراه با برخورد قاطع با تخلفات، از الزامات اصلی در مسیر حفاظت از میراث فرهنگی است. او همچنین بر لزوم فرهنگ‌سازی و جلب مشارکت مردمی تأکید کرد و گفت که ارتقای آگاهی عمومی درباره اهمیت میراث فرهنگی و نقش مردم در پاسداری از آن می‌تواند نقش بازدارنده مؤثری داشته باشد.

رجبی در پایان خاطرنشان کرد بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های گردشگری، به‌ویژه در پروژه‌های سدسازی، باید به گونه‌ای طراحی شود که ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی به‌صورت هم‌زمان حفظ شوند.

تجربه یکصد سال سدسازی در ایران نشان می‌دهد توسعه‌ای که بر پایه نادیده گرفتن میراث فرهنگی بنا شود، محکوم به شکست در درازمدت است. نوروز رجبی این واقعیت را به وضوح می‌بیند و می‌گوید: «میراث فرهنگی ایران امانتی است که نمی‌توان آن را فدای توسعه بدون برنامه کرد. تنها با نگاه علمی، قانونی و مشارکتی است که می‌توان این میراث را از خطر نابودی نجات داد.»

آینده‌ای بر ویرانه‌های تاریخ

مرور تجربه سدسازی در ایران نشان می‌دهد توسعه‌ای که بدون در نظر گرفتن میراث فرهنگی پیش می‌رود، در نهایت نه‌تنها تاریخ و هویت یک سرزمین را از بین می‌برد، بلکه خودِ توسعه را نیز بی‌پایه می‌سازد. فقدان ارزیابی‌های فرهنگی، کمبود بودجه و نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول، باعث شده هر موج جدید توسعه، فصل تازه‌ای از تخریب را رقم بزند. سخنان نوروز رجبی یادآور این نکته است که نجات میراث فرهنگی تنها با نگاه علمی، اجرای دقیق قانون و مشارکت مردم ممکن است؛ در غیر این صورت، سدهایی که برای آینده ساخته می‌شوند، گذشته ما را برای همیشه به زیر آب خواهند برد.

خبر

راه‌اندازی جایزه «بوکر» برای ادبیات کودک

بنیاد جایزه بوکر جایزه ادبی جدیدی را برای ادبیات کودک به مبلغ ۵۰هزار پوند راه‌اندازی می‌کند.

به گزارش ایسنا، بنیاد جایزه «بوکر» از راه‌اندازی جایزه ادبی جدیدی با عنوان «جایزه بوکر کودکان» خبر داده که قرار است مبلغ ۵۰ هزار پوند را به بهترین اثر داستانی نوشته‌شده برای گروه سنی ۸ تا ۱۲ سال اهدا کند.

«گاردین» نوشت، این جایزه از سال ۲۰۲۶ آغاز می‌شود و نخستین برنده آن در اوایل ۲۰۲۷ معرفی خواهد شد. داوران این رقابت ترکیبی از بزرگسالان و کودکان خواهند بود. این اتفاق برای نخستین‌بار در تاریخ جوایز بوکر رخ می‌دهد.

ریاست نخستین دوره داوری را «فرانک کاترل-بویس»، نویسنده سرشناس ادبیات کودک بر عهده دارد. او به همراه دو داور بزرگسال دیگر، فهرست اولیه هشت کتاب را انتخاب می‌کند و پس از آن، سه داور کودک برای انتخاب برنده نهایی به گروه داوران می‌پیوندند. بنیاد بوکر همچنین وعده داده است که هر سال ۳۰ هزار نسخه از کتاب‌های نامزد و برنده را در همکاری با نهادهای مختلفی میان کودکان توزیع کند. این ابتکار در حالی اجرا می‌شود که طبق گزارش‌ها، رغبت کودکان به مطالعه برای لذت شخصی در پایین‌ترین حد خود در دو دهه اخیر قرار دارد. «کاترل-بویس» با اشاره به اینکه این جایزه کشف کتاب‌های لذت‌بخش را برای کودکان آسان‌تر می‌کند، گفت: «هر کودک شایسته است لذت غرق شدن در یک کتاب خوب را تجربه کند. این جایزه قرار است با دعوت از آن‌ها به میز داوری و هدیه دادن کتاب‌های نامزدشده، کودکان بیشتری را وارد دنیای شگفت‌انگیز کتاب‌ها کند.» این جایزه به رمان‌های معاصر کودک اختصاص دارد که یا به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند یا ترجمه‌ای از آثار دیگر به انگلیسی هستند و در بریتانیا یا ایرلند منتشر شده‌اند. همانند جوایز بزرگسال بوکر و بوکر بین‌المللی، نویسندگان راه‌یافته به فهرست نامزدهای نهایی هرکدام ۲,۵۰۰ پوند دریافت می‌کنند و برنده نهایی ۵۰ هزار پوند جایزه نقدی خواهد گرفت. نخستین دوره این جایزه در بهار ۲۰۲۶ آثار را دریافت خواهد کرد. فهرست نامزدهای نهایی و داوران کودک در نوامبر ۲۰۲۶ اعلام می‌شود و برنده در فوریه ۲۰۲۷ طی مراسمی برای مخاطبان خردسال اعلام خواهد شد.

کتاب‌هایی که بین ۱ نوامبر ۲۰۲۵ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶ منتشر شده‌اند، واجد شرایط شرکت در این جایزه ادبی خواهند بود. اعلام برگزاری این جایزه با استقبال گسترده‌ای از سوی نویسندگان برجسته کودک و نوجوان روبه‌رو شده است.

جایزه بوکر کودکان با همکاری بنیاد AKO، خیریه‌ای که تمرکز آن بر بهبود آموزش، حمایت از هنر و مقابله با بحران اقلیمی است، برگزار می‌شود.

«گیبی وود»، مدیر اجرایی بنیاد بوکر، این جایزه را از زمان راه‌اندازی جایزه بین‌المللی بوکر در سال ۲۰۰۵ «بلندپروازانه‌ترین طرح این بنیاد در ۲۰ سال گذشته» دانست و گفت: «این جایزه قرار است چند نقش را هم‌زمان ایفا کند: بزرگداشت آثاری که می‌توانند آثار کلاسیک‌های آینده برای کودکان باشند، ترغیبی برای کودکان به کتاب‌خوانی و همچنین نسلی تازه از خوانندگان مادام‌العمر را ایجاد کنند. بی‌صبرانه منتظریم تا داوران واقعی ادبیات کودک، یعنی خود کودکان، نظرشان را بگویند.». جزئیات نحوه شرکت کودکان در داوری در بهار ۲۰۲۶ اعلام خواهد شد.

معرفی رمان

رمان ناتوان ترجمه لیلا رعیت

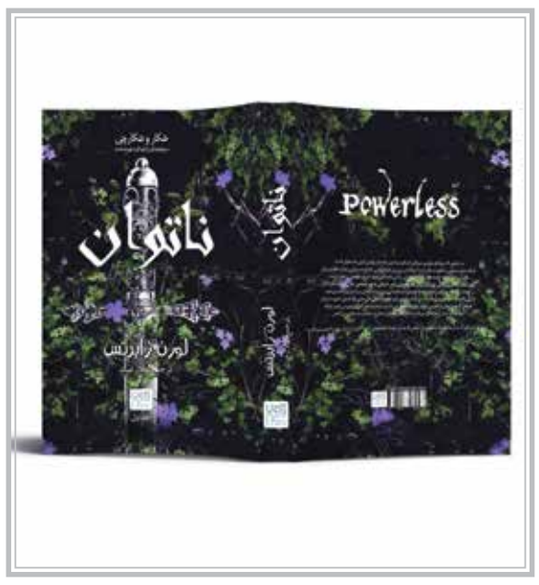

رمان ناتوان
اثر لورن رابرتس
ترجمه لیلا رعیت
انتشارات آذرگون

مدت زمان طولانی نیست که مجموعه پنج جلدی رمان ناتوان اثر لورن رابرتس ابتدا در آمریکا و بعد در سراسر دنیا به انتشاررسیده، بااین‌حال ظرف همین مدت زمان کوتاه توانسته نظر بسیاری از مخاطبین را به خود جلب کند. کتاب خیلی زود در فهرست پرفروشترین‌های نیویورک تایمز قرارگرفت و در صف انتظار تبدیل شدن به فیلم قرارگرفت. رمانی که اولین اثر نویسنده جوان خودش است. لورن رابرتس در سن هجده سالگی برای نوشتن اولین جلد آن دست به قلم شد و در بیست و سه سالگی نگارش پنجمین جلدش را به پایان رساند.

اما ماجرا چیست؟ چرا جلدهای قطور این رمان فانتزی عاشقانه نتوانست مانع جذب مخاطب خود شود؟

داستان از سرزمین‌های دوردست شروع می‌شود. جایی که انسان‌ها با اندکی تفاوت از عالم ما حیات دارند. حدود سه دهه پیش در کشوری ناشناس بیماری به نام طاعون، متفاوت از طاعون دنیای ما، شایع شد و عده زیادی را به کام هلاکت خود کشاند. بااین‌حال تعدادی از مردم توانستند جان سالم به در ببرند و جمعیت سرزمین را حفظ کنند. راه بقاء هم آن بود که خود را به نیرویی خاص و فرابشری مجهزکنند. یکی توانایی غیب شدن و پدیدارشدن پیداکرد، دیگری خود را از قالب انسانی درمی‌آورد و به شکل گرگ و ببر و شغال هویدامی‌شد، بعدی اجسام را در هوا معلق نگاه می‌داشت، و به همین ترتیب.

دراین میان، بودند افرادی که نتوانستند هیچ نیروی خاصی پیداکنند، بااین‌حال زنده ماندند. آنها «معمولی» هستند. شاید معمولی بودن در هرجایی از دنیا کاملاً عادی باشد، اما به حکم پادشاه در این سرزمین معمولی‌ها محکوم به تبعیدند و اگر بخواهند میان توانمندان زندگی کنند اعدام می‌شوند. هرکس که بخواهد در خانه خود به یک معمولی پناه بدهد هم به همین سرنوشت دچارمی‌شود.

شخصیت اصلی رمان هم یکی از همین معمولی‌هاست. دختری هجده ساله، یتیم و زاغه‌نشین به نام پایدن که به هر لطایف‌الحیلی است راز مخوف معمولی بودن خود را پشت نقابی ساختگی پنهان کرده و لابلای خرابه‌ها و زاغه‌ها با دزدی و گرسنگی روزگار می‌گذراند.

کمی صبرمی‌کنم تا اینکه مطمئن می‌شوم دیگر عطسه‌ای در کار نیست تا نگهبانانی که دوروبر مخفیگاهم کمین کرده‌اند را خبرکند. بعد دستم را روی دیوار چرکی می‌گذارم که پشتم را به آن تکیه داده‌ام. پاهایم روی زمین جاگیر شده. نفسی عمیق می‌کشم، بازهم دوده مشامم را پرمی‌کند و من را به مرز خفگی می‌رساند. بعد صعودم را آغازمی‌کنم. پاهایم مثل بینی‌ام می‌سوزد، بااین‌حال به پیچ و تاب دادن بدنم ادامه می‌دهم درحالی‌که همچنان مراقبم عطسه نکنم.

دختر دردوران کودکی مادر معمولی‌اش را از دست داده. پدرش هم که توانایی شفابخشی داشته به جرم کمک به معمولی‌ها به دست پادشاه کشته شده. پایدن به طوری کاملاً تصادفی در برخوردی غیرمنتظره روبروی شاهزاده کای قرارمی‌گیرد. کای از دوران کودکی تحت تعلیم‌های پدر، انواع شکنجه و قتل را یادگرفته و مامور کشتن معمولی‌هاست.

کای و پایدن برای شرکت در مسابقه‌ای مهم انتخاب می‌شوند و به همین دلیل، آن دیدار کاملاً تصادفی به درکنار هم بودن‌های طولانی تبدیل می‌شود. پایدن از هنگام مرگ پدر، کینه پادشاه را در دل داشته و حاضر است برای خونخواهی او دست به هرکاری بزند. کای هم به حکم پدر پادشاه خود مامور کشتن معمولی‌هاست. هرچند پایدن توانسته معمولی بودن خود را از او پنهان کند.

یکی از امتیازات این رمان جذاب و پرکشش، کلیشه‌ای نبودن شخصیت‌های داستان است. در اینجا دختر فقیر و یتیم روبروی پسر شاهزاده توانمند قرارمی‌گیرد. اما دختر به هیچ عنوان خیال ندارد دل به عشقی سیندرلایی بسپارد. پایدن با وجود گذراندن یک زندگی سخت، هرگز تن به این ناتوانی تحمیلی نداده. او خود را مجهز به انواع توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های مبارزه‌ای، ازجمله مشت‌زنی و تیراندازی کرده است. تمام وجود این دختر، او را به یک سو هدایت می‌کند: انتقام خون پدر.

حال تکلیف کای چیست؟ او از سوی پدر حکم کشتن معمولی‌ها را دارد. اما این معمولی که اصرار به پنهان کردن راز خود دارد در دل او ریشه دوانده. کای بیشتر از قلب خود دستور می‌گیرد تا مغز.

کتم همچنان روی شانه‌هایش آویزان است. آب از صورت و موهایش می‌چکد. قطرات درشت باران روی مژگانش نشسته و آرایشش به طورکلی برهم خورده است. دانه‌های آب شریک کک‌ومک‌های روی بینی‌اش شده، شریک هر بیست و هشت‌تایشان شده. باران شدید سنگفرش‌های زیر پایمان را پر از آب کرده، آب را تا استخوان پایمان حس می‌کنیم.

رمان ناتوان به تازگی به قلم لیلا رعیت ترجمه شده و توسط نشر آذرگون به انتشار رسیده است. متن اصلی فاخر و شیواست و این ترجمه همتای قلم اصلی است. چهارجلد دیگر این رمان به نام‌های بی‌پروا، قدرتمند، بی‌باک و بیمناک توسط همین نشر به قلم شیوای پریسا رجوند ترجمه و همگی از نشر آذرگون منتشر شده‌اند. نشر آذرگون این مجموعه را با کیفیت بالای ترجمه و ویرایش و پایینترین قیمت موجود در بازار برای مخاطبین خود فراهم کرده است.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۷۵۸) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : ( ) نوبت دوم: ( )

نام روزنامه

۱ – تقاضای «آقای محمد سلاحورزی» فرزند «پاپی درویش» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۵۵۰,۴۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۴» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سبزعلی رهسپار»

۲- تقاضای «آقای محمد سلاحورزی» فرزند «پاپی درویش» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۶۸۹,۳۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۹» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سبزعلی رهسپار»

۳- تقاضای «آقای محمد سلاحورزی» فرزند «پاپی درویش» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۵۱۸۷,۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۳» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه « سبزعلی رهسپار»

۴ - تقاضای «آقای محمد سلاحورزی» فرزند «پاپی درویش» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۰۴۷,۶۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۸» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سبزعلی رهسپار»

۵ - تقاضای «آقای حبیب اله بیرانوند» فرزند «شیخعلی» نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۲۵,۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۱۹۸» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامشاه فرهمند»

۶- تقاضای «آقای رضا اسکینی» فرزند «امیدعلی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۴۸۵۲,۱۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰۷» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «امیدعلی اسکینی»

۷ - تقاضای «آقای داریوش فتاح نژاد» فرزند «غلامحسین» نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۱۰,۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۵۹۲» فرعی از «۲۰۹۱» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین والیزاده معجزی»

۸ - تقاضای «آقای بهمن رستمیان» فرزند «علی محمد» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۸۹۰۰,۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۱۵» فرعی از «۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کریم رستمیان»

۹ - تقاضای «آقای میرزاعلی دارائی» فرزند «قربانعلی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۵۷۲,۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۷۹» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۱۰- تقاضای «خانم گل بهار رحمتی فرد» فرزند «رستم» نسبت به «۲ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم طلا رحمتی فرد» فرزند «رستم» نسبت به «۲ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم سعیده رحمتی فرد» فرزند «رستم» نسبت به «۲ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۲۰۱,۷۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۵» فرعی از «۵۲» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رستم بیرانوند»

شناسه : ۲۰۲۷۷۸۴

فرشاد بازوندی نژاد
رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۴۵۹۲